

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی

## تعهدات استراتژیک امریکا در حمایت از دیکتاتورهای عرب منطقه خلیج فارس: با تأکید بر تحولات سیاسی ۲۰۱۱-۲۰۱۲

علی اشرف نظری<sup>۱</sup>، لقمان قنبری<sup>۲</sup>

### چکیده

از منظر رئالیستی نظام بین‌المللی نظامی با گوهر آنارشیک و تلاش برای دستیابی به منافع ملی در مقابل سایر بازیگران است. از این رو هر بازیگر به تناسب میزان قدرت و منزلت استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی، در صدد مدیریت پوشش‌های جهانی است. نافذترین کشورهای آنهایی هستند که در فرآیند تغییر و تحولات جهانی و منطقه‌ای تعیین‌کننده‌تر ظاهر شوند. ویژگی‌های کنونی خاورمیانه نیز کشورهای قدرتمند را بر آن داشته تا با قرار دادن مسائل خاورمیانه در کانون توجه و مرکز ثقل سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به فکر تأمین منافع پایدار خود با حداکثر سودمندی برآیند. مقاله حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد اهداف کشورهای فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا در تحولات منطقه چیست؟ فرضیه پژوهش این است که، رویکرد اقتصادی (امنیت انرژی) مهمترین وجه مشترکی است که موجب اهمیت خاورمیانه برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است. سیاست‌های غرب و در رأس آنها امریکا در منطقه خاورمیانه و همچنین خلیج فارس به واسطه وجود منابع غنی انرژی و مهم‌تر از آنها ویژگی‌های بارز ژئوپلیتیک این منطقه، ایران را به عنوان کشوری با موقعیت استراتژیک منحصر به فرد در شرایطی استثنایی قرار داده است. برخورداری از پتانسیل‌های یک قدرت منطقه‌ای و همچنین سیاست‌ها و گرایش‌های ضد امریکایی، ایران را به مانعی برای اعمال سیاست‌های یک‌جانبه امریکا در منطقه مبدل کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** نظام بین‌الملل، انرژی، ایالات متحده امریکا، خلیج فارس، ایران.

### مقدمه

اگر نظام بین‌الملل کنونی را نظامی تصور کنیم که واحدهای آن به نحوی عمل می‌کنند که رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیات و خواسته‌های واحدهای مذکور از نظام تأثیر می‌پذیرد<sup>۳</sup>، در آن صورت هر گونه بحران در سیاست بین‌الملل منجر به واکنش بازیگران در دوران گذار نظام بین‌المللی خواهد شد. بر

۱- نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی

۳- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۳)، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، چاپ دهم، نشر سمت، ص ۲۹.

این اساس، خلاء قدرت در منطقه خاورمیانه- تغییر در توازن قوا، بی‌ثباتی سیاسی و بی‌هویتی سیاسی و فرهنگی منجر به تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را برای پر کردن خلاء قدرت و ایجاد ثبات سیاسی و یافتن یک هویت جدید سیاسی شده است. اندیشمندان روابط بین‌الملل درباره ویژگی‌های نظام بین‌المللی موجود در چند نکته‌از اجماع نظر برخوردارند: ۱. نظام بین‌الملل در وضعیت‌گذار به سر می‌برد. به عبارت بهتر، هیچ یک از الگوهای محتمل کنش بازیگران، از وضعیت تثبیت‌شده‌ای برخوردار نیست. ۲- ماهیت تهدیدات بین‌المللی دچار تغییرات جدی شده است، به طوری که تهدیدات از اشکال سنتی آن بسیار فراتر رفته و انواع جدید و پیچیده‌ای را در برمی‌گیرد. ۳- در شرایط جدید، نه تنها تهدیدات ناآشنا و غیرقابل درک با ذهنیت سابق ظهور کرده، بلکه فرصت‌های جدید نیز از سیالیت و ابهام گسترده برخوردارند.<sup>۱</sup>

انقلابات اخیر در کشورهای عربی، تداوم فعالیت‌های تروریستی، دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، حفظ امنیت انرژی و تنش بین ایران و آمریکا از مهمترین مباحث سیاسی- اقتصادی منطقه، در دوران گذار نظام بین‌المللی در خاورمیانه محسوب می‌شود. در این میان، به نظر می‌رسد رویکرد اقتصادی به خاورمیانه (امنیت انرژی) مهمترین وجهی مشترک است که موجب اهمیت موارد فوق‌الذکر در خاورمیانه برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در این شرایط گزار بین‌المللی شده است. امروزه خاورمیانه بخش بزرگی از نیازهای نفتی غرب را تأمین می‌کند و نزدیک به ۶۰ درصد ذخایر شناخته شده نفت و ۵۳ درصد منابع گازی جهان در خاورمیانه (و بخش بزرگ آن در خلیج فارس) است. پیش‌بینی شده است که در دو دهه آینده تنها پنج کشور بزرگ صادر کننده نفت یعنی عربستان، ایران، عراق، کویت و امارات عربی متحده می‌توانند صادر کننده بزرگ نفت در جهان باقی بمانند و روزانه ۶۲ میلیون بشکه نفت صادر کنند. پس تا زمانی که انرژی دیگری جایگزین انرژی نفت نشده است، خاورمیانه اهمیت راهبردی خواهد داشت. به سخن دیگر، به سبب وابستگی شدید کشورهای صنعتی جهان به نفت، منطقه خاورمیانه در آینده نقش اقتصادی- امنیتی مهمتری در سیاست جهانی بازی خواهد کرد.

در واقع، رشد فزاینده مصرف انرژی و افزایش وابستگی قدرت‌های برون منطقه‌ای به منابع انرژی خاورمیانه و امنیت آن در آینده، منجر اهمیت یافتن و ارتقاء روز افزون منزلت استراتژیک خلیج فارس شده است. از این رو خاورمیانه عنوان چهارراه سیاست بین‌الملل و شاهرگ استراتژیک حمل و نقل و ترانزیت کالا و منابع انرژی، همواره از اهمیت فراوانی برای قدرت‌های بزرگ و به خصوص طرح‌های راهبردی آمریکا در منطقه برخوردار است. ویژگی‌های کنونی خاورمیانه نیز کشورهای قدرتمند را بر

۱- واعظی، محمود (۱۳۸۵)، «اروپا و مسأله امنیت در خاورمیانه» فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱، صص ۱۶۹ تا ۱۸۴، ص ۱۷۳

آن داشته تا با قرار دادن مسائل خاورمیانه در کانون توجه و مرکز ثقل سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به فکر تأمین منافع پایدار خود با حداکثر سودمندی برآیند. مقاله حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد اهداف کشورهای فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا در تحولات منطقه چیست؟ فرضیه پژوهش این است که، رویکرد اقتصادی (امنیت انرژی) مهمترین وجه مشترکی است که موجب اهمیت خاورمیانه برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است.

### آمریکا و امنیت انرژی در خلیج فارس

در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۵ کمیسیون ملی سیاست انرژی آمریکا یک شبیه‌سازی در زمینه بروز یک بحران نفتی هفت ماهه توسط یک گروه نه نفره از اعضای سابق کاخ سفید و مقامات ارشد امنیت ملی ایالات متحده انجام داد. آنها اظهار داشته‌اند که وابستگی ایالات متحده به نفت وارداتی، به نقطه‌ای بی‌سابقه رسیده است.<sup>۱</sup> این وابستگی به حدی رسیده است که هر گونه بحران در بخش انرژی می‌تواند اقتصاد ایالات متحده را برای سال‌ها دچار مشکل کند. بنابراین در چنین شرایطی اگر پاسخی استراتژیک به وضعیت انرژی داده نشود، ایالات متحده با آسیب‌پذیری جدی مواجه می‌گردد.<sup>۲</sup>

بر اساس پیش‌بینی‌های انجام گرفته، در سال ۲۰۲۰ تقریباً ۷۰ درصد مصرف ایالات متحده باید از واردات تأمین شود. ایالات متحده کمابیش ۵۲ درصد انرژی نفتی جهان را مصرف می‌کند و چون منابع انرژی فسیلی‌اش تنها پاسخگوی کمتر از نیمی از نیازهای آن کشور است، پس آمریکا ناگزیر است بیشتر انرژی مصرفی خود را از بیرون تأمین کند. به همین دلیل تضمین آینده مواد اولیه روزبه‌روز به مرکز سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است. رشد تقاضای ایالات متحده و منطقه آسیا-پاسفیک به نفت خاور میانه در دو دهه آینده به برخوردهای مستقیم بر سر منابع جهانی نفت، قیمت و امنیت انرژی منجر خواهد شد. تمرکز منابع جهانی نفت در خاورمیانه به همراه کاهش منابع خارج از این منطقه، بدون شک فشار زیادی بر قیمت نفت وارد خواهد کرد و بالا رفتن قیمت پدیده دو دهه آینده بازار نفت خواهد بود.

حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده چشم‌انداز رشد اقتصادی و تقاضا برای نفت را به گونه با اهمیتی دگرگون ساخت. اقتصاد ایالات متحده از نوامبر سال قبل آن به آهستگی نزول

۱- موسوی شفقانی، سید مسعود (۱۳۸۷)، «نفت خلیج فارس و امنیت ملی ایالات متحده»، نشریه علوم سیاسی شماره ۷، صص ۳۱۳ تا ۳۳۲، ص ۳۲۴.

۲- موسوی شفقانی، سید مسعود (۱۳۸۵)، «جایگاه نفت خلیج فارس در سیاست انرژی و استراتژی امنیت ملی امریکا. (در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵)». نشریه علوم سیاسی، شماره ۳۹، صص ۶۳-۷۸، ص ۶۷.

می‌کرد اما این اتفاقات آنرا به بحران اقتصادی تبدیل کرد و رشد اقتصاد جهانی نیز کند شد.<sup>۱</sup> در همین راستا بسیاری بر این اعتقادند که دلیل اصلی حمله آمریکا به عراق در اختیار گرفتن چاه‌های نفتی آن کشور و در واقع به نوعی، برقراری «امنیت کامل انرژی» بود. در نتیجه آمریکا تأمین امنیت انرژی و ثبات منطقه‌ای را در رأس استراتژی‌های منطقه‌ای خود قرار داده برای مثال استفاده آمریکا از نیروهای نظامی در جریان حمایت از تجهیزات نفتی در مناطق مهم و عمدتاً بحران‌زده خاورمیانه از جمله لیبی مبین سه واقعیت است:

۱. وابستگی روزافزون آمریکا به نفت وارداتی؛
۲. تغییر جهانی تولید نفت از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه؛
۳. نظامی‌گری رو به رشد در روند تأمین انرژی مورد نیاز ایالات متحده که از منابع خارجی تهیه می‌شود. برخی از صاحب‌نظران بر این اعتقادند که نقشه‌های نو محافظه‌کاران از طرح یک خاورمیانه جدید نیز چیزی جز تأمین آینده انرژی برای آمریکا، در منطقه نمی‌باشد.

#### راهبردهای جدید ایالات متحده پس از بیداری اسلامی در منطقه خلیج فارس

حفظ متحدین خود در منطقه: هراس آمریکا از انقلاب‌های مردمی در منطقه چالش‌های فراوانی پیش روی سیاست خارجی آمریکا قرار داده است. چراکه این انقلاب‌ها متحدین استراتژیک آمریکا در منطقه همچون مانند بحرین، کویت و عربستان سعودی را متزلزل کرد. از این رو آمریکا در صدد است با حمایت از متحدین فعلی خود همچون عربستان و ترکیه در صدد جبران خسارت وارده است. برای مثال، عربستان دومین صادرکننده نفت به ایالات متحده آمریکا است و ۲۰ درصد از نفت خود را در سال ۲۰۰۸ میلادی به آمریکا صادر کرده است. در نتیجه امنیت عربستان برای آمریکا مهم است، در همین راستا آمریکا قراردادهای نظامی با عربستان امضاء کرده است و مخالفان خاندان حکومتی را سرکوب می‌کند. علاوه بر این با ایجاد پایگاه‌های نظامی در خلیج فارس در مقابل تهدیدات خارجی علیه عربستان به مقابله خواهد پرداخت و در صورت وجود جنگ نیز امنیت سکوه‌های نفتی عربستان را تأمین خواهد کرد.<sup>۲</sup> همکاری برخی کشورهای عربی در حوزه خلیج فارس از جمله قطر در حمله ناتو به لیبی به خوبی این نکته را نشان می‌دهد که آمریکا اهمیت ویژه‌ای برای نفوذ خود در خلیج فارس قائل است و با توجه به خروج نظامیان این کشور از عراق و کاهش

۱- احمدی، سیدعباس، و الهام‌سادات موسوی (۱۳۸۵)، «نقش انرژی فسیلی در ژئوپلیتیک جهانی انرژی» نشریه راهبرد یاس، شماره ۷، صص ۴۰۱ تا ۴۲۲، ص ۴۱۲.

۲- جهرمی، سیدجواد و محسن رضایی صدرآبادی (۱۳۸۹)، «سلطه نفت»، نشریه راهبرد یاس، شماره ۲۴، صص ۲۲۳ تا ۲۵۳، ص ۲۴۲.

نفوذ در سایر نقاط خاورمیانه، واشنگتن به هیچ وجه نمی‌خواهد جایگاه خود در خلیج فارس را نیز از دست بدهد.

مصادره انقلاب‌ها: تلاش امریکا برای مصادره انقلاب‌های عربی، ناشی از هراسی است که از جهت‌گیری ضد امریکایی بودن این انقلاب‌ها مشخص می‌شود. بسیاری از مردم منطقه آگاهند که ایالات متحده امریکا خواهان دموکراسی واقعی برای کشورهای منطقه نیست، چرا که اگر چنین بود از حاکمان دیکتاتور قبلی حمایت نمی‌کرد. امریکایی‌ها در صددند تا با نفوذ بین انقلابیون مسلمان همچنان پایگاه‌های اطلاعاتی و منافع نامشروع اقتصادی خود را در منطقه حفظ کنند و از همین رو به شیوه‌های مختلف در صدد مصادره این انقلاب‌ها به نفع خود هستند.<sup>۱</sup>

اگر برخی از سکولارها و غرب‌زدگان ادعا می‌کنند جهت‌گیری انقلاب‌های مردمی در منطقه به سوی سکولاریزم و لیبرال دموکراسی بوده، امروز نمی‌بایست ایالات متحده امریکا، هراسی از آن‌ها داشته باشد. اینکه می‌بینیم دولت آمریکا و غرب در تلاشند با نفوذ در بین رهبران این انقلاب‌ها و یا کمک به مخالفان مانند آنچه در لیبی دیدیم و در مصر شاهدیم، بر امواج انقلاب‌های منطقه سوار شوند، نشانه ترس آنهاست. ایالات متحده آمریکا همچنان می‌خواهد نقش خود را به عنوان یک بازیگر معتبر و پر قدرت در منطقه برای پشتیبانی و حمایت فزاینده یک سوبه از رژیم صهیونیستی ادامه دهد. واشنگتن تا به امروز نتوانسته به خوبی نقش خود را در تأثیرگذاری بر چهار بازیگر اصلی خاورمیانه یعنی اعراب، رژیم صهیونیستی، ترکیه و ایران ایفا کند. فشارها و تهدیدهای مداوم آمریکا بر بازیگران اصلی خاورمیانه بی‌نتیجه بوده است.

ممانعت از حاکمیت اسلام سیاسی: شکل‌گیری گفتمان اسلام سیاسی در فرایند انقلاب اسلامی و متعاقب آن در کشورهای اسلامی، جنبشی فرهنگی - دینی است که نسبت به فرسایش هویت و امنیت از خود در برابر غرب واکنش نشان می‌دهند. شیرین هانتر بر این باور است چند عامل به سربرآوردن جنبش‌های اسلام‌گرا کمک کرده است: امپریالیسم و سلطه‌جویی‌های امپریالیستی فرهنگی غرب، شتاب و دامنه دگرگونی‌های ناشی از مدرنیزاسیون، حکومت‌های وابسته و تشدید بحران هویت. اسلام‌گرایان در این فکرنده که بایستی ابتدا جهان اسلام را از فساد، بی‌اخلاقی و فرهنگ خارجی پاک و جامعه‌ای اسلامی را تأسیس کرد و بعد از آن نوبت به جوامع غیر اسلامی می‌رسد و برای نجات بقیه انسانها به مبارزه با ظلم و حکام فاسد بر می‌خیزد.<sup>۲</sup>

۱- بی‌نام (۱۳۹۱)، روز قدس و بیداری جهان اسلام، دوره ۱، ۰۲ (ویژه‌نامه ماه رمضان)، صفحه ۴۴-۵۳. ص. ۵۰-۵۱.  
 ۲- Manuel Castells (1994). European cities, the informational society and the global Economy. New left review, No 204, p 15.

در نگاه آمریکایی‌ها، تهدیدها علیه آن کشور، با نضج‌گرفتن اسلام سیاسی و رفتار ناشی از فرهنگ دینی مسلمانان، شکل نهادی به خود گرفته و توأم با نفرت رو به تزاید از سیاست‌های آمریکا در وسیع‌ترین سطوح اجتماعی و مردمی قرار دارد. در عین حال، اسلام سیاسی از کنترل رژیم‌های دوست آمریکا نیز خارج بوده و بعضاً رشد اسلام سیاسی نتیجه سیاست‌ها و ناتوانی‌های همین رژیم‌هاست هرآیه دکم‌جیان در کتاب خود با عنوان «جنبش‌های اسلامی در جهان عرب» می‌نویسد: «برخورد میان فرهنگ مهاجم غربی (سکولاریسم) و سیستم ارزش‌های بومی در اذهان اعراب جنون‌پختگی و احساس حقارت در برابر غرب ایجاد کرده است و در حال حاضر بحران فرهنگی همه کشورهای عرب را فرا گرفته است»<sup>۱</sup>.

در همین راستا پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات اخیر، فراتر از تغییر عادی احزاب در قدرت بود که به‌طور عادی در تمام نظام‌های سیاسی دموکراتیک رخ می‌دهد. این وضعیت، نشان‌دهنده تغییر نخبگان و تنزل نخبگان تجددگرا و سکولاری است که سیاست‌های کشورهای عربی در شمال آفریقا و خاور نزدیک را دهه‌ها تحت واپایش (کنترل) داشته‌اند و در عین حال، نشان‌دهنده خیزش همزمان نخبگان اسلام‌گرای رقیبی است که کنار زده شده و به حاشیه رانده شده بودند و اغلب تحت تعقیب قرار داشتند. نماد این تغییر، تحولات تونس و مصر است، به‌طوری که بسیاری از شخصیت‌های اسلام‌گرای مهم امروز که از سوی رژیم‌های سابق زندانی یا تبعید شده بودند، توانستند مشاغل سیاسی خود را در سال ۲۰۱۱ بار دیگر آغاز کنند. راشد الغنوشی، رهبر حزب النهضة و حامدی جبالی، نخست‌وزیر تونس و خیرات الشاطر، معاون اخوان المسلمین و نامزد ریاست‌جمهوری سال‌ها در زندان یا تبعید بوده‌اند. در نگاه آمریکایی‌ها، تهدیدها علیه آن کشور، با نضج‌گرفتن اسلام سیاسی و رفتار ناشی از فرهنگ دینی مسلمانان، شکل نهادی به خود گرفته و توأم با نفرت رو به تزاید از سیاست‌های آمریکا در وسیع‌ترین سطوح اجتماعی و مردمی قرار دارد. در عین حال، اسلام سیاسی از کنترل رژیم‌های دوست آمریکا نیز خارج بوده و بعضاً رشد اسلام سیاسی نتیجه سیاست‌ها و ناتوانی‌های همین رژیم‌هاست<sup>۲</sup>.

مهار نفوذ ایران در منطقه: سیاست‌های غرب و در رأس آنها آمریکا در منطقه خاورمیانه و همچنین خلیج فارس به واسطه وجود منابع غنی انرژی و مهم‌تر از آنها ویژگی‌های بارز ژئوپلیتیک این منطقه، ایران را به عنوان کشوری با موقعیت استراتژیک منحصر به فرد در شرایطی استثنایی قرار داده است. برخورداری از پتانسیل‌های یک قدرت منطقه‌ای و همچنین سیاست‌ها و گرایش‌های ضد

۱- دکم‌جیان، هرآیه (۱۳۷۷)، «اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی در جهان عرب»، ترجمه حمید احمدی. تهران: نشر کیهان.

۲- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴)، «طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان، زمینه‌ها، چیستی و پیامدها»، نشریه اندیشه تقریب فلسفه، کلام و عرفان، شماره ۳، صص ۸۳ تا ۱۰۶، ص ۹۶.

امریکایی، ایران را به مانعی برای اعمال سیاست‌های یک‌جانبه امریکا در منطقه مبدل کرده است.<sup>۱</sup> ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران را به صورت یک قدرت منطقه‌ای بی‌ثبات ساز ضدآمریکایی در خلیج فارس قلمداد می‌کند که از یک سو با استفاده از درآمدهای نفتی خود درصد دست‌یابی به سلاح‌های کشتار جمعی با هدف برهم‌زدن توازن منطقه‌ای به نفع خود و حمایت از گروه‌های ضدآمریکایی است و از سوی دیگر خود می‌تواند با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک و توان نظامی‌اش جریان نفت و امنیت انرژی جهانی در بازار به شدت فشرده نفتی را با تهدید جدی مواجه کند. ایالات متحده درصد گرفتن این موقعیت از ایران و ممانعت از بروز تهدیدهای احتمالی در زمینه‌های پیش گفته‌است که هردو به طور مستقیم و غیرمستقیم با منابع نفتی خلیج فارس مرتبط‌اند.<sup>۲</sup> اما از سوی دیگر ایران به قدرت مقابله‌کننده با منافع امریکا در منطقه تبدیل شد و ایران هم این حق مشروع را برای خود قائل می‌شود که فشارهای وارد شده از سوی امریکا را به اهرم‌های قدرت خود در منطقه و سطح جهان منتقل کند. اهرم‌های قدرتمند ایران در منطقه، از جمله شیعیان عراق، حزب‌الله لبنان و برخی گروه‌های فلسطینی، می‌توانند روی معادلات نفوذ و قدرت امریکا در منطقه تأثیرگذار باشند.

مهار اقدامات ضد امریکایی در منطقه: از نظر واشنگتن، نیروهای اسلامی و حامیان آنها، باید دشمن تلقی گردیده و تغییر رژیم‌های آنها از طریق قوه قهریه و به روش سخت‌افزاری در اولویت قرار گیرد. در این راستا؛ به خصوص، جمهوری اسلامی ایران، کانون و مرکزیت اسلام سیاسی معرفی شد و در نتیجه، تمامی طرح‌ها باید رویارویی با جمهوری اسلامی را هدف نهایی خویش قرار داد.<sup>۳</sup> امریکاییان معتقدند خاورمیانه بزرگ و محافل دینی آن، به خاطر آموختن احکام دینی و ایجاد حس تنفر در مخاطبان خود، بزرگترین کانون تروریسم ضدغربی در جهان هستند.<sup>۴</sup> امریکاهای بر این باورند که سازمان تروریستی با حمله به خطوط لوله، تانکرها، پالایشگاه‌ها و حوزه‌های نفتی دو هدف را دنبال می‌کنند: تضعیف ثبات داخلی رژیم‌هایی که این سازمان‌ها در آنجا در حال فعالیت و نبرد هستند و تضعیف اقتصادی قدرت‌های خارجی که منافع عظیمی در این کشورها و مناطق دارند این موضوع از آن جهت برای ایالات متحده حائز اهمیت است که سران‌القاعده همواره از نفت به عنوان شاهرگ

۱- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، نشریه: تاریخ پانزده خرداد، شماره ۵، صص ۱۵ تا ۷۷، ص ۲۰.

۲- موسوی شفا، سیدمسعود (۱۳۸۷)، «نفت خلیج فارس و امنیت ملی ایالات متحده»، نشریه علوم سیاسی شماره ۷، صص ۳۱۳ تا ۳۳۲، ص ۳۱۶.

۳- یزدانی، عنایت‌الله و هجرت ایزدی (بی‌ت)، نشریه علوم سیاسی شماره ۳۹، و ۴ صص ۷۵ تا ۹۸، ص ۷۷.

۴- بیگدلی، علی (۱۳۸۵)، «نقشه تصاحب خاورمیانه نگاهی به ماهیت استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه»، نشریه تاریخ زمانه، سال پنجم، شماره ۴۴، صص ۶۲ تا ۶۸، ص ۶۷.



جامعه صلیمی نام می‌برد.<sup>۱</sup> سمینار نفت و امنیت که در مه ۲۰۰۳ با حضور متخصصان برجسته نفتی در دانشگاه هاروارد برگزار شد، نتیجه گرفت که تروریسم از دو نظر یک نگرانی اصلی برای امنیت انرژی است. یکی تهدید نسبت به زیرساخت‌های صنعت نفت و اهداف نرم آن در کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده و دیگری استفاده از فروش نفت برای حمایت از سازمان‌های تروریستی و حکومت‌های حامی آنها. گزارش سمینار هاروارد حتی احتمال سرنگونی رژیم کنونی عربستان توسط مخالفان داخلی را مطرح کرده است. ایالات متحده معتقد است که تمامی این اقدامات ضدآمریکایی از محل وجود درآمدهای نفتی حاصل شده و بر این اساس کنترل نفت خلیج فارس بیش از پیش ابعاد امنیتی پیدا کرده و اهمیت یافته است.<sup>۲</sup>

لیبرالیزه کردن منطقه: در سال‌های اخیر، این حکومت‌ها برای انجام اصلاحات در نظام سیاسی و کاستن از کنترل دولت بر رسانه‌های همگانی و سایر اشکال آزادی بیان، تحت فشار بوده‌اند. در پاسخ به این فشارها، برخی از دولت‌های مذکور فرایند لیبرالیزه کردن را در پیش گرفته‌اند که مقدمه‌ای بر آزادی‌های مدنی همچون آزادی بیان و آزادی برگزاری نشست‌ها و تجمعات می‌باشد. ۳. «دیک چینی» معاون رییس جمهور در مجمع جهانی اقتصاد، صراحتاً سیاست رسمی دولت آمریکا مبنی بر دموکراتیک ساختن خاورمیانه را بیان داشت اهمیت نقش کشورهای خارجی در تحولات کشورهای اروپای شرقی در دهه ۱۹۹۰ مشخص شد. با حمایت مالی و فعالیت‌های تبلیغاتی ایالات متحده و کشورهای اروپایی در کشورهای کوزوو، بوسنی و هرزگوین و مقدونیه هزینه تغییر چهره اروپای شرقی از سوسیالیسم به کاپیتالیسم کاهش یافت.<sup>۴</sup> در مورد کشورهای عربی نیز می‌توان گفت ظاهر قضیه این بود که حامیان سیاسی، کارگزاری‌های حمایتی و نهادهای مالی بین‌المللی جامعه مدنی را به عنوان یک ابزار مؤثر جادویی علیه استبداد عربی معرفی می‌کردند. در واقع، کشورهای خارجی به خصوص ایالات متحده در صدد برآمدند تا با تقویت نیروهای اجتماعی همسو و درانداختن الگوهای مورد نظر خود نقش و جایگاه خود را در تحولات آینده حفظ کنند. آنها هدف خود را ایجاد دموکراسی و وادار کردن حکام مستبد عرب به پذیرش تعهداتی در زمینه حقوق سیاسی، انتخابات بی‌طرفانه، و آزادی‌های مدنی اعلام کردند. از اوایل دهه ۱۹۹۰،

۱- امینی، محمد صادق (۱۳۸۸)، «هدف بعدی تروریست‌ها»، نشریه علوم انسانی، شماره ۲۰۸، صص ۳۸ تا ۴۰، ص ۳۸.

۲- موسوی شفقانی، سیدمسعود (۱۳۸۷)، «نفت خلیج فارس و امنیت ملی ایالات متحده»، نشریه علوم سیاسی شماره ۷، صص ۳۱۳ تا ۳۳۲، ص ۳۲۵.

۳- نورا بن ساحل (۱۳۸۳)، آینده خاورمیانه، سال سوم، شماره ۲۴، صص ۸۶ تا ۸۸، ص ۸۶.

۴- اسماعیل الشطی (ب. ت)، کویت و تجربه حرکت به سمت دموکراسی، ترجمه عبدالرضا همدانی، شماره ۵۳، موسسه مطالعات استراتژیک. صص ۳۹-۱۱۵.

کمک به آنچه که رشد و تقویت جامعه مدنی خوانده می‌شود، به محور تلاش‌های بین‌المللی برای پیشرفت دموکراسی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل شده است. در این راستا «برنامه توسعه ملل متحد»، جامعه مدنی را به عنوان ستون و رکن حیاتی در حفظ و تقویت فرایند توسعه انسانی و همچنین پرورش حکومت سیاسی شفاف در جهان عرب تعریف می‌کند. «بانک جهانی» و «کمیسیون اروپایی»<sup>۱</sup>، نیز بخش گسترده‌ای از کمک‌های خود را برای حمایت از جامعه مدنی اختصاص داده و این کمک‌ها را مستقیماً به گروه‌های معین واگذار می‌نمایند. همچنین بنیادهای آمریکایی مثل «بنیاد فورد» و «بنیاد کمک‌های ملی برای دموکراسی» هم با ایجاد سازمان‌های غرب‌گرا و تلاش برای گسترش زمینه‌های نفوذ ایالات متحده در جامعه مدنی کشورهای عرب، به اعطای کمک‌های مالی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مبادله دانشجو پرداخته‌اند.<sup>۲</sup> نگرانی از ورود امواج اسلامی به عرصه انتخابات آزاد و قبضه کامل حکومت توسط اسلام‌گراها و سپس احتمال پیاده کردن تئوری‌های حکومت اسلامی که منجر به حذف قواعد دمکراتیک خواهد شد، غرب را متحد کرد تا از همه توانش برای محافظت از آنچه دموکراسی می‌نامد، بهره ببرد.

هدف عمده امریکا از طرح دموکراتیزاسیون، دستیابی به یکسان‌سازی فرهنگی در سراسر جهان و به‌ویژه در خاورمیانه است؛ زیرا هیچ نقطه‌ای از جهان همانند خاورمیانه دچار تشتت عقیده و تقابل قومی - مذهبی نیست مدرن کردن جوامع اسلامی از طریق اشاعه فرهنگ غربی، به‌ویژه در میان نسل جوان که سطح آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به مظاهر و ابزارهای فرهنگ غربی دارند. از سوی دیگر برای جذب هرچه بیشتر جوانان به سمت تکنولوژی ارتباطی که حامل فرهنگ غربی است، باید از ثروتمند شدن گروه اقلیت حاکم جلوگیری کرد تا حاکمان مجبور شوند با دادن سهمی از آزادی به جوانان زمینه ورود آنان به دایره تصمیم‌گیری را مهیا کنند؛ زیرا ایجاد میل مشارکت سیاسی در جوانان و گسترش شبکه تحصیلات دانشگاهی، آنان را با سنت خانوادگی و گرایشات مذهبی بیگانه می‌کند. بنا براین با تحت فشار قراردادن حکومت‌ها به منظور اعمال دموکراسی، آزادی بیان، گفتار و دین و با اصرار بر رعایت حقوق بشر، سعی می‌کند زمینه را برای نفوذ اندیشه و فرهنگ غربی در منطقه هموار سازد.

### نتیجه‌گیری

از زمان وقوع حملات تروریستی یازدهم سپتامبر در سال ۲۰۰۱، خاورمیانه نسبت به هر زمان دیگر نقش برجسته‌تری در سیاست‌های امریکا ایفا کرده است. امریکا به متحدین خود در منطقه

1- European Commission

2- <http://glo110.blogfa>

خاورمیانه نظیر اسرائیل، عربستان سعودی، قطر، مصر و سایرین متکی است تا با تروریسم مبارزه کند و تکثیر تسلیحات کشتار جمعی را از سوی دولت‌های یاغی متوقف نماید. از دست دادن متحدین کلیدی به دلیل تغییرات ایجاد شده در رژیمهای مخالف و یا افزایش احساسات ضد آمریکایی می‌تواند کاهش توان آمریکا را در مقابله با تروریسم در منطقه در پی داشته باشد. به طور کلی می‌توان گفت اهداف ایالات متحده از حضور نظامی مستقیم در خلیج فارس عبارتند از:- تضمین دسترسی بلند مدت خود به نفت و کنترل قیمت نفت.

سیاست‌های غرب و در رأس آنها آمریکا در منطقه خاورمیانه و همچنین خلیج فارس به واسطه وجود منابع غنی انرژی و مهم‌تر از آنها ویژگی‌های بارز ژئوپلیتیک این منطقه، ایران را به عنوان کشوری با موقعیت استراتژیک منحصر به فرد در شرایطی استثنایی قرار داده است. برخورداری از پتانسیل‌های یک قدرت منطقه‌ای و همچنین سیاست‌ها و گرایش‌های ضد آمریکایی، ایران را به مانعی برای اعمال سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا در منطقه مبدل کرده است.

## منابع

- احمدی، سید عباس، و الهام سادات موسوی (۱۳۸۵)، «نقش انرژی فسیلی در ژئوپلیتیک جهانی انرژی» نشریه راهبرد یاس، شماره ۷، صص ۴۰۱ تا ۴۲۲، ص ۴۱۲.
- اسماعیل الشطی (ب.ت)، کویت و تجربه حرکت به سمت دموکراسی، ترجمه عبد الرضا همدانی، شماره ۵۳، موسسه مطالعات استراتژیک. صص ۳۹-۱۱۵.
- امینی، محمدصادق (۱۳۸۸)، «هدف بعدی تروریست‌ها»، نشریه علوم انسانی، شماره ۲۰۸، صص ۳۸ تا ۴۰، ص ۳۸.
- بیگدلی، علی (۱۳۸۵)، «نقشه تصاحب خاورمیانه نگاهی به ماهیت استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه» نشریه تاریخ زمانه، سال پنجم، شماره ۴۴، صص ۶۲ تا ۶۸، ص ۶۷.
- جهرمی، سیدجواد و محسن رضایی صدرآبادی (۱۳۸۹)، «سلطه نفت»، نشریه راهبرد یاس، شماره ۲۴، صص ۲۲۳ تا ۲۵۳، ص ۲۴۲.
- دکمیجان، هرایر (۱۳۷۷)، «اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی در جهان عرب». ترجمه حمید احمدی. تهران: نشر کیهان.
- روز قدس و بیداری جهان اسلام، دوره ۱، ۰۲ (ویژه‌نامه ماه رمضان)، ۱۳۹۱ صفحه ۴۴-۵۳. ص ۵۰-۵۱.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۴)، «طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان، زمینه‌ها، چیرستی و پیامدها»، نشریه اندیشه تقریب فلسفه، کلام و عرفان، شماره ۳، صص ۸۳ تا ۱۰۶، ص ۹۶.
- قوام، عبد العلی (۱۳۸۳)، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، چاپ دهم. نشر سمت. ص ۲۹.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، نشریه: تاریخ پانزده خرداد، شماره ۵، صص ۱۵ تا ۷۷، ص ۲۰.
- موسوی شفائی، سیدمسعود (۱۳۸۵)، «جایگاه نفت خلیج فارس در سیاست انرژی و استراتژی امنیت ملی امریکا (در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۵)»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۳۹، صص ۶۳-۷۸، ص ۶۷.
- موسوی شفائی، سیدمسعود (۱۳۸۷)، «نفت خلیج فارس و امنیت ملی ایالات متحده» نشریه علوم سیاسی شماره ۷، صص ۳۱۳ تا ۳۳۲، ص ۳۲۴.
- نورا بن ساحل (۱۳۸۳)، آینده خاورمیانه؛ سال سوم، شماره ۲۴، صص ۸۶ تا ۸۸، ص ۸۶.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵)، «اروپا و مسأله امنیت در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱، صص ۱۶۹ تا ۱۸۴، ص ۱۷۳.
- یزدانی، عنایت‌اله و هجرت ایزدی (بی ت)، نشریه علوم سیاسی شماره ۳۹، و ۴ صص ۷۵ تا ۹۸، ص ۷۷.
- Manuel Castells (1994). European cities, the informational society and the global Economy. New left review, No 204, p 15
- <http://glo110.blogfa>.



# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه

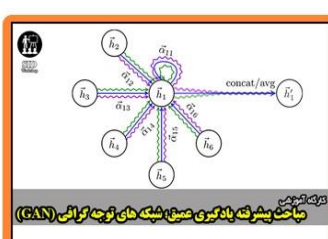


فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی